

ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخش‌های مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار پردازد. ۷۵/۳/۱۴

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۵۳ / شنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۷

خون‌هایی که غیرقابل سانسور هستند!

رسالت: شهادت ده‌ها نمازگزار مسلمان در کشور نیوزیلند، پرده دیگری از مظلومیت پیروان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی را در برابر دیده حیران افکار عمومی دنیا گشود. اگرچه رسانه‌هایی مانند بی بی سی، تا ساعت‌ها حاضر نشدند از این جنایت بزرگ، به عنوان "حمله تروریستی" یاد کنند، اما خون پاک شهدای این حادثه از سوی رسانه‌ها و سردمداران غربی قابل سانسور نیست.. در این خصوص نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت:

۱- "اسلام ستیزی در غرب" پروسه‌ای بوده که نهادهای امنیتی آمریکا و اروپا در تقویت و پیشبرد آن، به مثابه یک "کاتالیزور" عمل کرده‌اند. ارائه چهره‌خشن از اسلام و تحقیر مسلمانان و فراتر از آن، حمایت از احزاب نژادپرست و ضد اسلامی که امروز به پارلمان‌ها و حتی دولت‌های اروپایی راه یافته‌اند، از جمله اقدامات و گام‌های عملی مقامات غربی در مواجهه با اسلام و اسلام‌گرایی محسوب می‌شود. این روال، دهه‌هاست در کشورهای غربی ادامه دارد. در سال ۲۰۱۳ میلادی، پس از اینکه داعش توسط دستگاه‌های امنیتی آمریکا و انگلیس و متحدان منطقه‌ای آنها در عراق و سوریه خلق شد، مقامات امنیتی غرب سعی کردند با تقسیم بندی و تفکیک "تروریسم بد" و "تروریسم خوب"، آن‌هم بر اساس مکان جغرافیایی حملات تروریستی و ماهیت قربانیان آنها، این بازی خونین را علیه مسلمانان هدایت و مدیریت کنند.

۲- طی سال‌های اخیر، شاهد افزایش حملات تروریستی علیه مسلمانان در کشورهای غربی هستیم. تنها در ۹ ماهه ابتدایی سال ۲۰۱۸ میلادی، ۵۷۰ حمله علیه مسلمانان در کشور آلمان ثبت شده بود. در دیگر کشورهای اروپایی نیز آمارها و داده‌های موجود، حاکی از افزایش شدید حملات علیه مسلمانان می‌باشد. نکته جالب توجه اینکه خبری از تصاویر و بیوگرافی قربانیان این حملات در رسانه‌های غربی نیست! با این حال به نظر می‌رسد حمله خونین صورت گرفته در نیوزیلند به اندازه‌ای وسیع و گسترده بوده است که غرب قدرت سانسور آن را نداشته است!

۳- ابراز تاسف مقامات غربی نسبت به فاجعه اخیر در نیوزیلند، نه تنها ارزشی برای مسلمانان ندارد، بلکه نوعی فراقلمی آشکار نسبت به نقش نهادهای رسمی و امنیتی غرب در این ماجرای خونین محسوب می‌شود. اکنون سوالات زیادی وجود دارد که مقامات غربی ملزم به پاسخگویی در خصوص آن می‌باشند، سوالاتی از قبیل اینکه: اساساً "اسلام ستیزی" در غرب چگونه تبلور یافت و نقش پشت پرده و آشکار دستگاه‌های امنیتی و تبلیغاتی کشورهای غربی در استمرار این روند چه بود؟

پیام‌های عصبانیت آمریکا

سیاست روز: آمریکایی‌ها طی روزهای اخیر تحرکات قابل توجهی در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. آنها زنجیره‌ای از مواضع و اقدامات علیه را علیه ایران صورت داده و تلاش کرده‌اند تا چنان وانمود سازند که ایران در مجموعه گسترده‌ای از نابسامانی‌ها و تنگناها قرار دارد. ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا فرمان اجرایی برقراری وضعیت اضطراری ملی در مورد ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد. از سوی دیگر در اقدامی دیگر علیه ایران پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا با روسای شرکت‌های بزرگ نفتی جهان پشت درهای بسته دیدار می‌کند تا آنها را برای عرضه بیشتر نفت به بازارهای آسیایی و گرفتن مشتریان ایران ترغیب کند. در همین حال «برایان هوک» نماینده وزارت خارجه آمریکا در امور ایران ۲۰ اسفند ماه، مدعی شد که جمهوری اسلامی می‌خواهد عراق را به یکی از استان‌های ایران تبدیل کند. در این میان سرپرست وزارت دفاع آمریکا که در نشست کمیته نیروهای مسلح سنا حاضر شده، چین، روسیه، کره شمالی، ایران و تروریسم را مهمترین تهدیدات پیش روی پنتاگون توصیف کرد.

از سوی دیگر برخی منابع دیپلماتیک آمریکایی گفته‌اند، واشنگتن احتمالاً به شرط کاهش خرید، معافیت تحریمی واردکنندگان نفت ایران را تمدید خواهد کرد. در اقدامی قابل توجه سیگال مندلکر رئیس دفتر تروریسم و اطلاعات مالی خزانه‌داری آمریکا که به «اتاق جنگ ساکت» آمریکا برای نبرد با ایران شهرت یافته برنامه‌های دفترش را تشریح کرد. او گفت: «زمان قابل ملاحظه‌ای را صرف این کرده‌ام که اطمینان حاصل کنیم با تبدیل شدن به یک سازمان راهبردی، یکپارچه و مشارکتی از تمام توانمندی‌های اقتصادی‌مان برای دستیابی به بیشترین اثرگذاری راهبردی استفاده می‌کنیم». جالب توجه آنکه این ساختار ارتباط گسترده‌ای با ساختار اف.ای.تی.اف دارد که خود سندی بر سوء استفاده آمریکا از این نهاد برای اعمال فشار بر ایران است و شاید یکی از دلایل مشروط‌سازی کانال مالی اروپا به تصویب اف.ای.تی.اف را می‌توان برگرفته از همین ارتباط دانست.

در همین حال آمریکا تحرکاتی را در عرصه منطقه داشته که به طور غیر مستقیم هدف آن ایران است. آمریکا اقدام به قرار دادن نام نیروهای مردمی حشد الشعبی در لیست گروه‌های تروریستی کرد. همزمان انگلیس نیز حزب‌الله لبنان را تروریسم معرفی کرد. همچنین جرمی هانت وزیر خارجه انگلیس نیز در سفر به یمن در دیدار با دولت مرکزی و مردمی یمن شرط پایان جنگ را دوری انصارالله از حزب‌الله لبنان عنوان کرد. همزمان نیز عربستان نیز به نیابت از آمریکا به بمباران یمن پرداخت که در یک مورد ۲۳ زن و کودک بی شهادت رسیدند. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا این اقدامات زنجیره‌ای از سوی آمریکا صورت گرفته است؟ در پاسخ به این پرسش چند نکته قابل توجه است.

نخست آنکه هفته گذشته، رویدادی بزرگ در حوزه سیاست خارجی ایران صورت گرفت و آن سفر سه روز روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به عراق بود. سفری که در کنار دستاوردهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی برای دو کشور حقارتی بزرگ را به آمریکا تحمیل کرد. جهانیان این سفر را سراسر موفقیت برای ایران و شکست برای آمریکا عنوان کرده‌اند. دوم آنکه هفته گذشته مذاکرات میان ایران و اروپا برای اجرایی سازی کانال مالی مشترک برگزار شد و اقداماتی برای تحقق این طرح صورت گرفت. مجموع این دو موضوع، ناکامی‌های جدیدی را به آمریکا در برابر ایران تحمیل می‌سازد.

با توجه به این شرایط می‌توان گفت که آمریکا با اجرای زنجیره‌ای از اقدامات ضد ایرانی به زعم خود تلاش دارد تا از یک سو شیرینی توسعه مناسبات ایران و عراق را به کام دو کشور تلخ سازد و از سوی دیگر زمینه‌های ناکام سازی توافقات میان ایران و اروپا را گسترده‌تر سازد. البته در باب مسئله اروپا دو سناریو را باید در نظر داشت. اگر از این زاویه استقلال اروپا به موضوع نگاه کنیم این اقدامات آمریکا نشان می‌دهد که عملاً اجرایی شدن کانال مالی اروپا معنایی ندارد و صرفاً امری روی کاغذ است اگر هم از این زاویه که اروپا و آمریکا می‌گویند اختلافاتشان تاکتیکی است به موضوع نگاه کنیم می‌توان گفت که آمریکا زمینه‌سازی برای توجیه بدعهدی‌های آتی اروپا را صورت داده است.

بازگشت صلیبیان

صبح نو: سال‌هاست که غرب در پوشش حقوق بشر و سکولاریسم، مسلمانان و جوامع اسلامی را به سمت نوعی استانداردسازی جدید به پیش می‌برد که در آن خشونت و وحشت، سهم مسلمان‌هاست و مرحمت و محبت از آن‌ها. کسانی که مرگبارترین جنایات تاریخ را در جنگ دوم جهانی انجام داده و آن را با بمباران اتمی به پایان برده‌اند، در موضع صلح و صلاح نشسته‌اند و برای سایرین خطابه می‌کنند. دیروز دو اتفاق همزمان نشان داد که صلیبیان در تمامی ساحات سیاسی و فرهنگی غرب فعال‌اند؛ «برنتون تارنت» جلاد نیوزیلندی ۵۰ مسلمان را در مسجد و بیمارستان و خیابان کشت، به آن‌ها تیر خلاص زد و با ماشین از روی‌شان رد شد و بعد بیانیه‌ای منتشر کرد که این به انتقام جنگ‌های صلیبی است؛ در یکی از مستعمره‌های اقماری انگلیس که اسلام‌هراسی از کانون‌های جنگ روانی دائمی آن به شمار می‌رود. همزمان اتحادیه اروپا برای چندمین بار درخواست ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه را رد کرد؛ ترکیه‌ای که همه‌گونه انعطاف‌پذیری سیاسی، فرهنگی و نظامی را انجام داده تا با استانداردهای غربی همخوان شود. اصل اشکال‌شان کجاست؟ یک کشور مسلمان نمی‌تواند عضو اتحادیه اروپا شود. جنگ‌های صلیبی را پاپ شروع کرد و هجوم به خاورمیانه در ۱۷ سال قبل را بوش پسر با همین شعار آغاز کرد؛ غرب در مغز و پوسته‌اش همچنان یک نظام صلیبی است و خواهان نابودی همه مسلمانان و اسلام.

دیر فهمیدید که منتقدان دلسوزند و حرف حساب دارند

کیهان: روزنامه اعتماد از قول معاون اول رئیس‌جمهور نوشت: دولت، منتقدان خود را دلسوز می‌داند. جهانگیری گفته است: دولت منتقدان خود را دلسوز می‌داند و با دیده احترام نظرات آنها را به منظور رفع اشکالات به کار خواهد گرفت. معاون اول رئیس‌جمهوری ادامه داد: «آن چیزی که نگران کننده است تخریب دولت در شرایط جنگ اقتصادی است؛ تخریب روحیه و تهدید مدیران دولت در این شرایط ناشایست و نادرست است.»

این اظهارات در حالی است که برخی دولتمردان و مشخصاً آقای روحانی در طول پنج سال گذشته، تمام منتقدان - و حتی صاحب‌نظران حقوقی و اقتصادی و نقتی و... که دغدغه‌های کارشناسی محض داشتند - را با توپخانه افترا و اتهام و اهانت نواختند و عناوینی مانند «مزدور، بی‌شناسنامه، بی‌سواد، ترسو، افراطی، جیب‌بر، مستضعف فکری، متوهم، بزدل، کاسب تحریم، فاسد، عقب مانده، تازه به دوران رسیده، عصر حجری و...» را نثار آنها کردند و اگر یک درصد هم مانند امروز آقای جهانگیری، خوش‌بینی به خرج می‌دادند تصور می‌کردند که منتقدان دلسوزند و شاید حرف حساب داشته باشند، کشور را به چاله بگرام و اعتماد به آمریکا و اروپا و پنج سال فرصت‌سوزی، و تضعیف اقتصاد ملی و وابسته کردن همه چیز به بگرام نمی‌نداختند.

سال تعدیل انتظارات

دنیای اقتصاد: سال آینده می‌تواند سال تعدیل انتظارات باشد. بخشی از نارضایتی امروز ما ناشی از انتظاراتی است که پس از انتخابات سال ۹۶ شکل گرفت. سیاستمداران با بی‌عملی و گاه عهدشکنی این انتظارات را به باد سپردند و امروز ما نه به بهبود که به حفظ وضع موجود اقتصاد هم راضی شده‌ایم. بنابراین اگر وضع موجود در سال آینده حفظ شود فبها المراد، اما اگر شاهد اندکی بهبود باشیم، به شدت احساس رضایت خواهیم کرد.

اما دشواری‌های اقتصادی سال آینده چیست؟ برآوردها حاکی از منفی شدن رشد در عملکرد امسال و سال آینده اقتصاد ایران است. اقتصاد ما یک بار دیگر در معرض ابتلا به عارضه «رکود تورمی» قرار می‌گیرد که قطعاً نارضایتی همزمان طیف گسترده‌ای از مردم و فعالان اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. تعمیق شکاف میان درآمدها و هزینه‌های دولت هم نگران‌کننده خواهد بود. دولت در سال آینده احتمالاً بیش از ۴۴۰ هزار میلیارد تومان هزینه خواهد داشت در حالی که در بهترین حالت، درآمدهای دولت بیشتر از ۳۶۰ هزار میلیارد تومان نخواهد بود. به این ترتیب کسری بودجه می‌تواند منجر به افزایش تورم شود و این موضوع رفتار دولت با عاملان اقتصادی را وارد فاز دستوری و تعزیراتی می‌کند. از دید اقتصاددان و فعال اقتصادی آنچه اتفاق افتاده تورم است که دولت در آن نقش اساسی دارد، اما دولت با پاک کردن صورت مساله و نادیده گرفتن نقش خود وانمود می‌کند که گرانی رخ داده و بنابراین دست به سرکوب قیمت و ممانعت از تعدیل طبیعی قیمت‌ها می‌زند. سرکوب قیمت آن هم در شرایطی که به دلیل تحریم و تورم هزینه بنگاه‌ها به شدت بالا رفته، به سرکوب انگیزه و در نهایت به زیان‌دهی و توقف فعالیت بنگاه‌ها منجر می‌شود. در نتیجه در سال آینده احتمالاً شاهد تعطیلی تعدادی از بنگاه‌های تولیدی نیز خواهیم بود که نتیجه‌اش بیکاری کارگران خواهد بود. برحسب شانس بسیار بد، زمانی را هم در نظر بگیرید که هم ماشین و هم جاده خراب است. اینجا نمی‌توان از رکود استفاده کرد. بنابراین مشکل اصلی از ماشین است، ماشین اقتصاد ما خراب است و سال آینده این ماشین خراب در جاده خراب رکود باید حرکت کند. تاریکی و سیل و رگبار و ریزش کوه را هم به‌عنوان عوامل سیاسی به این وضعیت اضافه کنید تا بدانید سال آینده چقدر سال حساسی است و دقیقاً در چه مسیری باید حرکت کنیم. بنابراین تنها راه عبور از دشواری‌های سال ۹۸ آمادگی مردم و پذیرش شرایط سخت و تعدیل انتظارات است.



